

چند نکته فقهی درباره قمار

اختصاصی شبکه اجتهاد

آیت‌الله محمدتقی شهیدی، شاگرد مبرز مرحوم آیت‌الله میرزا جواد تبریزی، سال‌هاست که یکی از مهم‌ترین کرسی‌های تدریس خارج فقه حوزه علمیه قم را در اختیار دارد. عضو هیئت استفتاء آیت‌الله سیستانی، در خلال مباحث مکاسب محرمه که در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ تدریس کردند، به بحث لهُو پرداختند. در زیر، بخش‌هایی از گفته‌های ایشان در این رابطه می‌آید. ایشان در این مختصر، اقسام قمار را مطرح کرده و ادله هر یک را به صورت مختصر بررسی می‌کنند.

بحث درباره قمار و ادله حرمت آن است. قمار دارای چهار قسم است:

قسم اول: بازی با آلات قمار همراه با برد و باخت مالی از ناحیه طرفین

این قسم از قمار، قدر مسلم از موارد حرمت تکلیفی و حرمت وضعی قمار است. چون در این قسم، هم لعب وجود دارد، هم لعب با آلات قمار صورت گرفته است و هم برد و باخت مالی در کار است. لذا حرام تکلیفی است و پولی هم که از این راه به دست می‌آید، حرام وضعی است. با قید لعب، مسابقات علمی از تحت قمار خارج می‌شود. چون عرفاً، لعب بر مسابقات علمی صدق نمی‌کند.

در رابطه با بلیت‌های بخت‌آزمایی هم همین بحث وجود دارد که چون صدق عرفی لعب، بر این بلیت‌ها مشکل است، لذا خرید و فروش آن اشکالی ندارد و قمار به حساب نمی‌آید. همچنین اگر شخص ثالثی جایزه را تعیین کند، باز این لعب، از تحت قمار خارج می‌شود. چون مقارمه به معنی مرانه و رهان است و قدر متیقن از رهان این است که شخص برنده از بازنده وجهی دریافت کند و در مازاد بر قدر متیقن و با وجود شک در صدق قمار، اصل برائت جاری می‌شود.

قسم دوم: لعب به آلات قمار بدون برد و باخت

در اینجا فقط حرمت تکلیفی قمار، محل بحث است و چون رهان و برد و باخت مالی مطرح نیست، لذا بحثی از حکم وضعی هم نمی‌شود. مثلاً آیا بازی شطرنج که از آلات قمار است، بدون برد و باخت مالی، حرام است یا خیر؟ مرحوم نراقی در مستند الشیعه فرموده: «لا خلاف فی حرمته»، ولی مرحوم شیخ انصاری در ادله حرمت مناقشه می‌کند. البته معیار در تشخیص آلت قمار، عرف عام در معظم بلدان است، نه عرف محل که آیت‌الله سیستانی فرموده است.

ادله

حرمت

الف تمسک به اطلاق ادله حرمت قمار که شامل لعب به آلات قمار بدون برد و باخت هم می‌شود. برای تقریب این ادعا دو مطلب باید ثابت شود:

– وجود کبرای کلی که دال بر حرمت قمار باشد؛ یعنی روایاتی که از لعب به آلات قمار نهی کرده‌اند، مطلق باشند، ولو صدق قمار نکند.

– قمار به معنای مطلق لعب به آلات قمار باشد، نه لعب مع الرهان.

اما نسبت به حرمت قمار روایات زیادی داریم که به چند روایت اشاره می‌کنیم:

روایت اول: صحیحہ معمر بن خلاد

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع) قَالَ: النَّرْدُ وَالشُّطْرُنْجُ وَالْأَرْبَعَةُ عَشَرَ بِمَنْزِلِهِ وَاحِدَةٌ وَكُلُّ مَا قَوْمَرِ عَلَيْهِ فَهُوَ مَيْسِرٌ. (وسائل، ج ۱۷، ص ۳۲۳).

روایت فرموده «کل ما قومر علیه^۱ فهو ميسر» و قرآن هم می‌فرماید: «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ (مائده/۹۰)» پس باید از ميسر اجتناب کرد و این اجتناب از آلات قمار اطلاق دارد، چه مع الرهان باشد و چه بدون آن.

روایت دوم

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ زِيَادِ بْنِ عَيْسَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ فَقَالَ كَانَتْ قُرَيْشٌ تُقَامِرُ الرَّجُلَ بِأَهْلِهِ وَ مَالِهِ – فَنَهَاهُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ ذَلِكَ. (وسائل، ج ۱۷، ص ۱۷۴).

این روایت دلالت بر حرمت قمار بدون برد و باخت ندارد، چون قید «باهله و ماله» دارد اما نسبت به معنای لغوی قمار که آیا شامل لعب به آلات قمار بدون رهان می‌شود یا خیر؟ شیخ انصاری فرموده: صدق قمار بر بازی بدون برد و باخت مالی، واضح نیست و شاید قمار به معنی برد و باخت مالی با آلات قمار باشد. البته استعمال قمار درباره بازی با آلات قمار بدون رهان، دلیل بر حقیقی بودن چنین معنایی برای قمار نیست، چون استعمال اعم از حقیقت و مجاز است.

مرحوم شیخ در این مطلب، مناقشه کبروی هم کرده و فرموده: حتی بر فرض پذیرش صدق قمار بر بازی با آلات قمار بدون رهان می‌گوییم: اطلاعات تحریم قمار منصرف به غالب است و غالباً در لعب به آلات قمار، برد و باخت مالی مطرح بوده است. فقط در صحیح محمد بن مسلم حضرت فرمودند: «لَا تَصْلُحُ الْمُقَامَرَةُ وَلَا التَّهْبَةُ» (وسائل، ج ۱۷، ص ۱۶۸) که بعضی خواسته‌اند از این روایت اطلاق استفاده کنند، ولی به نظر ما «لا تصلح» ظهور در حرمت ندارد.

آنچه در این بحث مورد قبول واقع شد، صحیحه معمر بن خلّاد است که حضرت، میسر را به نرد و شطرنج تفسیر فرموده‌اند. پس مراد از میسر، آلات قمار است و قرآن هم که مطلقاً حکم به اجتناب از میسر فرموده است. البته مرحوم شیخ در این اطلاق مناقشه کردند و ادعای انصراف فرمودند، ولی به نظر می‌رسد که مناقشه کبروی مرحوم شیخ و ادعای انصراف، صحیح نیست، چون لعب به آلات قمار بدون رهان، نادر کالمعدوم نیست تا ادعای انصراف صحیح باشد و لذا امراء و سلاطین بدون برد و باخت مالی بازی می‌کردند و اصلاً جنبه مالی برای آن‌ها مطرح نبوده است. پس اطلاق به حال خود باقی است. البته مرحوم شیخ برای حرمت این قسم از قمار (بدون رهان) به چند روایت استدلال کرده که بعضی اشکال سندی و بعضی اشکال دلالی دارند و لذا از ذکر آن‌ها به جهت اختصار خودداری می‌کنیم. مرحوم شیخ طوسی نیز برای حرمت لعب به آلات قمار بدون رهان به روایت تحف العقول و روایاتی دیگر استدلال کرده که این روایات علاوه بر اشکال سندی، اشکال دلالی نیز دارند.

برخی از معاصران مثل حضرت آیت‌الله وحید خراسانی و مرحوم سید احمد خوانساری، در لعب به آلات قمار بدون رهان احتیاط کرده‌اند. آقای سیستانی هم در غیر نرد و شطرنج، احتیاط واجب می‌کند اما درباره نرد و شطرنج ولو بدون رهان و به دلیل وجود نص خاص، حکم به حرمت می‌کنند.

به نظر می‌رسد این احتیاط‌ها وجهی ندارد و اطلاق ادله، دال بر حرمت لعب به آلات قمار بدون رهان است. فقط در رابطه با نرد و شطرنج اختلاف است که آیا بعد از خروج از آلیت قمار، باز هم حرمت نرد و شطرنج باقی است یا از بین می‌رود؟

راجع به نرد و شطرنج می‌گوییم، تا وقتی خروج این دو را از آیت قمار احراز نکنیم، شکی در حرمت آن نیست و حتی اگر شک در خروج داشته باشیم، با استصحاب می‌توان حکم به آیت برای قمار کرد. مرحوم خوئی فرموده: «حرمت قمار، دایر مدار صدق آیت قمار نیست، چون نسبت به نرد و شطرنج، روایاتی داریم که به شدت و غلظت تمام از نرد و شطرنج نهی فرموده است»، ولی مراجعی مانند مرحوم امام و آقای سیستانی و مرحوم تبریزی فرموده‌اند: از نهی از لعب به شطرنج، عرفاً، اطلاق استفاده نمی‌شود. چون شطرنج در آن زمان آلت قمار بوده است، لذا وقتی از آن نهی می‌شود، به‌عنوان مثالی برای آلت قمار از آن نهی می‌شود و لذا نهی از لعب به شطرنج ولو غلیظ و شدید باشد، اطلاق ندارد.

قسم سوم: لعب به غیر آلات قمار همراه با برد و باخت مالی مثل برداشتن وزنه‌های سنگین

مرحوم شیخ انصاری در این فرض قائل به حرمت تکلیفی و وضعی شده‌اند، مگر در موارد منصوصه مثل اسب‌دوانی و تیراندازی و چند مورد دیگر که استثناء شده است. مرحوم شیخ برای اثبات مدعای خود به ادله‌ای تمسک فرموده‌اند. یکی از این ادله اجماع است که هم منقول است و هم مدرکی.

دلیل دیگر ایشان، صدق عرفی قمار بر لعب به غیر آلات قمار همراه با رهان است. مرحوم امام در صدق عرفی قمار در این قسم سوم مناقشه کرده و فرموده‌اند: مسابقات خوشنویسی یا مسابقه آواز خواندن و... حتی اگر همراه با برد و باخت مالی باشد، عرفاً صدق قمار نمی‌کند.

در کلام مرحوم امام این مناقشه وجود دارد که عدم صدق عرفی قمار در مثال‌های مذکور به علت عدم صدق لعب است و حال آنکه در قمار لعب معتبر است، ولی با وجود این، می‌توان گفت صدق قمار بر لعب به غیر آلات قمار ولو مع الرهان باشد، محرز نیست.

مرحوم صاحب جواهر نیز همین نظر را پذیرفته و فرموده: لعب به غیر آلات قمار همراه با رهان، حرام تکلیفی نیست و موجب خروج لاعب از عدالت نمی‌شود، چون صدق قمار بر این قسم واضح نیست اما حرام وضعی است؛ یعنی شخص برنده مالک رهان نمی‌شود.

بعضی برای حرمت این قسم از قمار به آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» (نساء/۲۹) و همچنین آیه شریفه: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبُغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ وَ يَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (مائده/۹۱) و همچنین آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» (مائده/۹۰) استدلال کرده‌اند که این استدلال‌ها قابل مناقشه است و لذا از ذکر آن‌ها به جهت اختصار خودداری می‌شود.

برای اثبات حرمت تکلیفی این قسم از قمار به روایاتی استدلال شده است. از جمله:

روایت اول: روایت یاسر خادم

عَنْ يَاسِرِ الْخَادِمِ عَنِ الرَّضَاءِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَيْسِرِ قَالَ التَّفَلُّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ - قَالَ الْخُبْزُ وَ التَّفَلُّ - مَا يُخْرَجُ بَيْنَ الْمُتْرَاهِنِينَ مِنَ الدَّرَاهِمِ وَ غَيْرِهِ. (وسائل، ج ۱۷، ص ۱۶۷)

این روایت مطلق است و بحثی از آلات قمار در آن نیست.

روایت دوم هم صحیحه معمر بن خلاد است که بیان شد و عبارت «کل شیء قومر علیه» اطلاق دارد؛ یعنی چه به آلات قمار باشد و چه به غیر آن.

اما استدلال به این دو روایت تمام نیست. از روایت یاسر خادم فقط حرمت وضعیه استفاده می‌شود اما حرمت تکلیفی اول الکلام است.

در صحیحه معمر بن خلاد هم حضرت فرموده: پولی که می‌خواهید بابت آن، قمار کنید، میسر است و باید از آن اجتناب کنید اما اینکه خود لعب، حرام تکلیفی باشد، اول الکلام است.

روایت سوم: روایت علاء بن سیابه

عمده روایت که برای حرمت این قسم به آن استدلال شده این مورد است: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ سِيَابَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ شَهَادَةِ مَنْ يَلْعَبُ بِالْحَمَامِ - قَالَ لَا بَأْسَ إِذَا كَانَ لَا يُعْرَفُ بِفِسْقٍ - قُلْتُ فَإِنَّ مَنْ قَبَلْنَا يَقُولُونَ قَالَ عَمْرٌ هُوَ شَيْطَانٌ - فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ - إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَنْفِرُ عِنْدَ الرَّهَانِ - وَ تَلْعَنُ صَاحِبَهُ مَا خَلَا الْحَافِرَ وَ الْخُفَّ وَ الرَّيْشَ وَ النَّصْلَ ... (وسائل، ج ۲۷، ص ۴۱۳)

ملائکه هنگام رهان، کوچ کرده و صاحب آن را لعن می‌کنند. لعن، ظهور در حرمت دارد. این روایت از حیث سندی مشکلی ندارد اما اشکال دلالی که بر این روایت شده، این است که اگر ملائکه، کسی را لعن کنند، آن شخص مستحق عذاب نمی‌شود، لذا لعن اعم از حرمت و کراهت است و با آن حرمت اثبات نمی‌شود. به کتب لغت هم که مراجعه می‌کنیم، لعن مرادف با تعذیب نیست، بلکه به معنای طرد است.

علاوه بر این در روایت‌های زیادی از لفظ ملعون یا لعن استفاده شده که هیچ‌کس قائل به حرمت آن نشده است، مثل این روایت: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو وَ أَنَسِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ عَنِ أَبِيهِ (ع) فِي وَصِيَّهِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيٍّ (ع) قَالَ: وَ كَرِهَ أَنْ يَنَامَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِ وَحْدَهُ يَا عَلِيُّ - لَعَنَ اللَّهُ ثَلَاثَةَ أَكِلَ زَادِهِ وَحْدَهُ - وَ رَاكِبَ الْفَلَاهِ وَحْدَهُ وَ النَّائِمَ فِي بَيْتِ وَحْدَهُ - يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ

يَتَخَوَّفُ مِنْهُنَّ الْجُنُونَ - التَّغَوُّطُ بَيْنَ الْقُبُورِ وَ الْمَشْيُ فِي خُفٍّ وَاحِدٍ - وَ الرَّجُلُ يَنَامُ وَحَدَهُ. (وسائل، ج ۵، ص ۳۳۲) و امثال این گونه روایات زیاد است. پس نه در لغت و نه در روایات دلیلی نداریم که لعن را کاشف از حرمت بدانیم.

به نظر می‌رسد این اشکال به روایت وارد نیست و ظهور لعن در حرمت است؛ یعنی وقتی ملائکه، صاحب رهان را لعنت می‌کنند، این شخص، عرفاً و عقلاً مستحق عقاب خواهد بود. با توجه به این مطلب، حرمت دایر مدار صدق لعب نیست، بلکه دایر مدار رهان و برد و باخت است. اگر بحث در صدق قمار بود، باید صدق عرفی لعب را درست می‌کردیم اما بحث در مرآه و شرط بندی است که از این روایت استفاده حرمت کردیم، چه صدق لعب بکند و چه نکند. البته اگر شخص ثالثی جایزه این مرآه را نمی‌دهد، نهایتاً عند الشک، برائت جاری می‌کنیم. تا حال حرمت تکلیفی مرآه ثابت شد. حرمت وضعی آن هم مسلم است و نیاز به بحث ندارد و برای اثبات مطلب به نقل یک روایت بسنده می‌کنیم: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ ظَرِيفٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَأَسْبَقَ إِلَّا فِي حَافِرٍ أَوْ نَصْلٍ أَوْ خُفٍّ. (وسائل، ج ۱۹، ص ۲۵۳)

وقتی حضرت می‌فرماید مرآه مگر در چند مورد جایز نیست، معنای عرفی آن این است که اگر مرآه کردید و مالی از این راه به دست آوردید، چون برخلاف طیب نفس صاحب مال است؛ لذا اکل مال به باطل است و این جای تشکیک ندارد. این در صورتی است که لفظ «سبق» را به سکون بآء بخوانیم اما اگر به فتح بخوانیم به معنای این است که هیچ جایزه‌ای صحیح نیست، مگر در موارد استثناء شده که نهی در اینجا ارشاد به عدم ملکیت رهان برای برنده است و باز مدعا ثابت می‌شود. پس حکم قسم سوم هم معلوم شد که هم حرام تکلیفی و هم حرام وضعی است.

قسم چهارم: لعب به غیر آلات قمار بدون شرط برد و باخت مالی

بسیاری از فقها حکم به حرمت این قسم کرده‌اند، ولی شهید در مسالک میل به جواز دارد و محقق سبزواری نیز قول به جواز را اجود می‌داند. به نظر می‌رسد حق با این دو بزرگوار است. چون اجماعی که بر حرمت قائم شده، اولاً منقول است و ثانیاً مدرکی است و مدرک آن هم روایت علاء بن سیابه است که گذشت و این روایت ربطی به این قسم ندارد. لذا دلیلی بر حرمت مطلق مسابقه در غیر آلات قمار نداریم و اصلاً سیره قطعیه متشرعه بر جواز مسابقه بر مباحات بوده است.

نتیجه

برای قمار چهار قسم مطرح کردیم که در سه قسم اول قائل به حرمت و در قسم اخیر قائل به جواز شدیم. البته در اینجا مباحث زیادی مثل شرکت‌های هرمی و... وجود دارد که به جهت اختصار از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. مراد از قومر علیه، آن جایزه‌ای است که متره‌ان، تعیین می‌کنند و مراد آلت قمار نیست، چون اگر مراد آلت قمار باشد، باید می‌فرمود: «ما قومر به» نه «ما قومر علیه.»
۲. البته در فرضی که مالک طیب نفس داشته باشد، آقای سیستانی فرموده اخذ این مال اشکالی ندارد اما در این فرض هم بعضی مثل مرحوم خوبی اشکال کرده و اخذ مال را حرام می‌داند.